

اسناد

۳ - اعتبار مندرجات

بامسالم بودن صدور سند از منسب الیه ممکن است در باب صحت محتویات آن اختلاف روی دهد از این جهت هم سند رسمی و عادی تفاوت مهمی بایکدیگر دارد زیرا تمام محتویات سند رسمی و امضاهای مندرجه در آن معتبر است مگر اینکه معمولیت آن ثابت شود همچنین انکار مندرجات اسناد رسمی راجع به اخذ تمام یا قسمتی از وجه یا مال یا تعهد بتأدیه وجه یا تسلیم مال مسموع نیست و مأمورین قضائی با اداری که انکار فوق را مورد رسیدگی قرار داده یا بذحوی از انحاء مندرجات سند رسمی را در خصوص رسید وجه یا مال یا تعهد بتأدیه وجه یا تسلیم مال معتبر ندانند مستحق مجازات شناخته شده اند (ماده ۷۰ قانون ثبت) و حال آنکه تمام مندرجات اسناد عادی قابل ایراد و اعتراض است و البته ادعای اینکه سند رسمی بجهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده مجاز میباشد (ذیل ماده ۱۲۹۲ قانون مدنی) - باید متذکر بود که تبصره ماده ۷۰ قانون ثبت اشعار داشته هرگاه کسی که بموجب سند رسمی اقرار یا اخذ وجه یا مالی کرده یا تأدیه وجه یا تسلیم مالی را تعهد نموده مدعی شود که اقرار یا تعهد او در مقابل سند رسمی یا عادی یا حواله یا برات یا چک یا سفته بوده است که طرف معامله بار داده و آن تعهد انجام نشده و یا حواله یا برات یا چک یا سفته پرداخت نگردیده است این دعوی قابل رسیدگی خواهد بود .

۴ - قوت اجرائی

قوت اجرائی عبارت از اختیار است که بدارنده سند تفویض شده تا بدون توسل بمقامات قضائی بتواند اجراء مدلول آنرا بخواهد و عندالاقضا بتوقیف اموال یا شخص متعهد

اقدام نماید - مدلول کلیه اسناد رسمی راجع بدیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج بصورت دادنامه از دادگاههای دادگستری لازم الاجراست مگر در صدور تسلیم عین منقولی که شخص ثالثی منصرف و مدعی مالکیت آن باشد (ماده ۹۲ قانون ثبت) - اسناد رسمی راجع بمعاملات املاک ثبت شده نیز مستقلاً و بدون مراجعه بدادگاه لازم الاجراست (ماده ۹۳ قانون ثبت)

سند رسمی بتقاضای دارنده و دستور مدیر ثبت بموقع اجرا گذاره میشود (ماده ۹۴ قانون ثبت) معیناً طبق ماده ۳۵ قانون مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۶ وزارت دادگستری میتواند بر دفتران درجه اول اجازه دهد که برگه های اجرائیه خود را مستقیماً بدوائر اجرا بفرستند - اما اسناد عادی چون بوسیله خود متعاملین ترتیب داده میشود و مأمور دولتی در تنظیم آن دخالت ندارد قبل از توسل بمقام قضائی قابل اجراء نیست .

حال باید دید ادعای معمولیت سند رسمی عملیات راجع باجرای آنرا موقوف می نماید یا نه ؟
ادعای معمولیت سند رسمی عملیات راجع باجرای آنرا موقوف نمیکند مگر پس از اینکه بازپرس قرار مجرمیت متهم را صادر و دادستان هم موافقت کرده باشد .

۵ - تاریخ تحریر

تاریخ اسناد رسمی حتی بر علیه اشخاص ثالث معتبر است مگر آنکه معمولیت آن ثابت شود و تاریخ اسناد عادی فقط در باره اشخاصی که شرکت در تنظیم آن داشته و ورثه آنان و کسی که وصیت بنفع او شده دارای اعتبار میباشد (ماده ۱۳۰۵ قانون مدنی) حال بابتدایم مقصود از اشخاص ثالث که فوقاً گفته شد چیست ؟

اصل رونوشت آنرا که قانوناً معتبر شناخته شده تحصیل و باجرا مدلول سند اقدام کند و حال آنکه رونوشت سند عادی چنانکه گذشت اعتباری ندارد و در صورت فقدان سند بواسطه حوادث غیرمنتظره ذینفع برای رسیدن بحق بایستی بگواهی گواها متوسل شده فقدان سند و موضوع آنرا اثبات نماید البته ارزش اظهارات گواها هم بسته بنظر دادگاه است *

اسناد بی امضاء

اسنادی که استثنائاً بدون امضاء معتبر شناخته شده یکی دفاتر تجاری و دیگر مندرجاتیست که در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی باشد و از بی اعتباری و یا از اعتبار افتادن مفاد سند حکایت نماید *

الف - دفاتر تجاری

دفاتر تجاری در مورد دعوی تاجری بر تاجر دیگر در صورتیکه دعوی از محاسبات و مطالبات تجاری حاصل شده باشد دلیل محسوب میشود مشروط بر اینکه دفاتر مزبور مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد (ماده ۱۲۹۷ قانون مدنی) این اعتبار بواسطه شریفتی است که قانوناً برای تنظیم و نگاهداری دفاتر مقرر گردیده و چون هر تاجر مکلف بداشتن دفاتر بخصوصی است مقابله دفاتر طرفین همگام بروز اختلاف رفع اشکال می نماید *

دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد و فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی بدفتر تاجر استناد کرد نمیتواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه که بر ضرر اوست رد کند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که بر ضرر اوست ثابت نماید (ماده ۱۲۹۸ قانون مدنی) .

دفتر تجاری در موارد ذیل دلیل محسوب نمیشود :

- ۱- در صورتیکه مدلل شود بر گهای جدیدی بدفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد.
- ۲- وقتی که در دفتر بی ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد *

البته اشخاص که بکلی بیگانه و بهیچوجه از عمل حقوقی که در سند تعیین شده منتفع یا متضرر نمیشوند مفاد سند در باره آنها تأثیری نمیتواند داشته باشد تا جائی برای اعتبار تاریخ آن باقی باشد و مقصود از اشخاص ثالث در موارد مذکور فوق اشخاصی است که در تنظیم سند دخالت نداشته لیکن اثبات تقدم یا تأخر تاریخ آن مستلزم تضررشان باشد مثلاً اگر کسی مالی را حسب ظاهر بدون فرسخه و مبیع را بتصرف هیچیک از آنها نداد، باشد خریدار دوم نسبت به سند معامله اول شخص ثالث محسوب و قبل از آنکه ثابت شود تاریخ سند مزبور مقدم بر تاریخ سند معامله اوست در باره وی تأثیری ندارد همچنین سند اجاره نسبت بکسی که مالی را خریداری کرده معتبر نیست مگر آنکه تقدم تاریخ آن بر سند معامله عین ثابت گردد زیرا محتمل است مالک عین بعد از فروش مال به ثبانی اجاره نامه نوشته باشد .

۶- ارزش رونوشت

رونوشت عبارت از نقل عین مندرجات نسخه اصلی نوشته در بر که دیگر است - رونوشت سند عادی هیچگاه نمیتواند دارای اعتبار باشد زیرا تمام ارزش سند مزبور بامضاء آنست که در رونوشت نمیتواند وجود داشته باشد چه اگر دارای امضاء باشد نسخه از اصل سند محسوب میشود اما رونوشت سند رسمی که مطابقت آن با ثبت دفتر تصدیق شده باشد بمنزله اصل سند و معتبر است مگر در صورت اثبات عدم مطابقت رونوشت با ثبت دفتر [ماده ۷۴ قانون ثبت] بنا بر این رونوشت سند رسمی که از طرف دفترخانه مربوطه داده نشده باشد مانند رونوشت سند عادی بوده و اعتباری بیش از آن ندارد .

۷- نتیجه فقدان

یکی از بزرگترین محاسن سند رسمی این است که در ازمنه عادی فقدان آن بمعنی واقعی یعنی از بین رفتن آثار سند متصور نیست زیرا سند مزبور در دفاتر معینی ثبت و بامضاء متعاملین میرسد و ذینفع میتواند با مقفود شدن

۳- هنگامی که بی اعتباری دفتر بجهتی از جهات در دادگاه مدلل شده باشد (ماده ۱۲۹۹ قانون مدنی)

در مواردی که دفتر تجاری بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد (ماده ۱۳۰۰ قانون مدنی)

حال باید دید با بودن دفتر تجاری در دست تاجر طرف غیر تاجر چگونه میتواند آنرا مورد استفاده قرار دهد. راه کار این است که در اثر استناد طرف دادگاه قرار ابراز دفتر را میدهد و در صورت مسلم بودن وجود آن نزد تاجر و عدم ابراز علیه او دلیل محسوب میشود.

ب- مندرجاتی که در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی باشد و از بی اعتباری یا از اعتبار افتادن مفاد سند حکایت نماید.

هرگاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی که در دست ابراز کننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از بی اعتباری

یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نماید مندرجات مزبور معتبر محسوب است اگر چه تاریخ در امضاء نداشته یا بوسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد (ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی)

اعتبار دادن بمندرجات مذکور فوق برای این است که عرفاً متعهدی که قسمتی از تعهد را انجام میدهد بجای گرفتن نوشته علیحده بقید آن در سند اصلی اکتفا میکند و چون سند در دست دارنده باقی میماند و ممکن است باسانی باطل کردن مندرجات مزبور اقدام نماید مندرجات مرقوم در صورتی هم که بوسیله خط کشی و بانحو آن باطل شده باشد معتبر شناخته شده مگر اینکه بطلان آن محض باامضاء طرف بوده یا طرف بطلان آنرا قبول کند و با بطلان آن در دادگاه ثابت شود (ماده ۱۳۰۳ قانون مدنی)

رضا داریان

بیان

دنباله شماره ۲۶ سال سوم

فصلی از حقوق بین الملل خصوصی

قاعدۀ نظم عمومی

ساوین از نظریه خود دو نتیجه میکیرد:

- ۱- نظم عمومی علایجی است برای جلوگیری از اجرای قانون خارجی که قانون صلاحیتدار میباشد.
- ۲- توسل باین علاج فقط در موارد استثنائی و محدود می باشد.

لا شخصی که بموجب قوانین کشور مشبوع خود حق دارد در نواحی چندین عقد نماید نمیتواند که با وجود داشتن زن در کشوری که داشتن چند زن را منع نموده درخواست ازدواج نماید و همچنین اجازه داده نخواهد شد زیرا که این اجازه مخالف احساسات عمومی بوده و قبل اغماض نمی باشد و در این مورد بخصوص هنگام تنظیم قانون عقاید همگانی نیز مورد نظر قرار گرفته است.

ب- عقیده Savigny این عقیده طرفداران زیادی دارد عقیده ساوین متکی بر اصل اشتراك قضائی بین دول میباشد. بعقیده ساوین باید باصل اجازه اجرای قوانین خارجی در مملکت دیگر محدودیت هائی قائل شد. زیرا اجرای این اصل نسبت بقوانینی که فلسفه مخصوصی نسبت به وضع آنها در نظر گرفته شده است صورتی ندارد.

نسبت بقوانینی که فلسفه مخصوصی در موقع وضع آنها در نظر گرفته شده و عقاید عمومی جامعه در تنظیم آنها دخیل بوده است دادرس دادگاه باید فقط قانون محلی را اجرا نماید حتی در مواقعی که قانون صلاحیت دار بموجب قوانین داخلی قانون خارجی باشد و البته این نظر را نمیتوان در تمام موارد بکار برد بلکه باید در مواقع استثنائی از آن استفاده نمود.